

الکبریا و این واقعه در حالتی بود که چشم که فرما از روی  
ایشان نامتعالی اصل سوره آورده اند که در پهل بستیم  
از روی کفران قصد کفرت کردند و خوبتندم خاطر حق از  
ایشان بسیار نشی بر روی نه کفرت علیه السلام آمدند  
مربود و در وقت یابند رسول علیه السلام امیر المؤمنین علی را  
رضی الله در جامه خواب حلقه خاندند تا فراموشانده  
ایشان را حال این بود که جوی ایشان بر سرش افتاد  
و مشت از خالی گرفتند و سوره ساین را تا آن هم خوان  
خواندند و بر آن حال در میبند و بر حاکم گفتند و از  
میان ایشان بر وی فرستادند که فرما ایشان از ندیدند و حضرت علیه السلام  
با صدیق بر متوجه شدند بفار که در اصل شوروده ابو بکر  
گفت رسول الله هر چه در ایم و در خطبتم ماوریم کنیم  
نباخند و ترا از نذر پسر بس که بر امده در آمد و در حاکم  
بودت حق جسد میگرد و در سندان سوزن میفرست تا  
بسوزد و پیکر او در آن کوزه تا پیکر او جود است  
بر روی

بر روی گویند در آمدند و بر این حق که با چهار دستها و بر  
هر سوخته کرد و در یک کوزه ماند با جوی او در آن سوره  
و بداند برای او ایام که در پهل آن گفتند که رسول الله  
جای مهابت رسول علیه السلام در آمدند تا به دست خود  
شدند و صدیق رضی از هم مار به دست بگردند چون طرد  
حضرت علیه السلام و در آن صدیق دیدند و ترا بر سینه  
صدیق رضی گفت مرا شاکر کند آنحضرت گفتند چرا ایها  
مشت جز در کردی صدیق گفت تا خواب بر تو فرود آمد  
و ت مبارک بر آن در حال به شد و بر روی در آن  
سوره خوانده هر کس که به ماره از آن کوزه بت و سوره  
ماند با بیای حق حکم است بعد از آن گفت رسول الله در  
رسول علیه السلام در آمدند و سوره را در کنار او پیکر  
و در خواب شدند با جوی او بگرار آمد کرد و او که است  
تا رسول علیه السلام بدار شد و شاکر بود صدیق بر روی  
سار که کفرت علیه السلام افتاد حضرت بدار شد و گفتند

Copyright © King Saud University